

کنش پزشکی؛ اقتصادی یا دارای جهت اقتصادی



حمزه نودری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف آلمانی، از دو نوع کنش سخن می‌گوید: الف) کنش دارای جهت اقتصادی، کنشی است که هدف اصلی آن اقتصادی نیست اما دارای ملاحظات اقتصادی است. هرچند هدف این نوع کنش غیراقتصادی است اما جهت‌گیری اقتصادی دارد. ب) کنش اقتصادی. کنش اقتصادی دارای جهت‌گیری آگاهانه نسبت به اهداف اقتصادی است. کنش اقتصادی به زبان وبر مبتنی بر عقلانیت صوری است. یعنی کنشگر، بهترین و هوشمندانه‌ترین ابزار و وسایل را برای رسیدن به هدف انتخاب می‌کند. چنین کنشی بر اساس عدد و رقم و محاسبات پولی شکل می‌گیرد. موفقیت چنین کنشی بر اساس درآمدها و بر حسب پول محاسبه می‌شود. به طور ساده می‌توان گفت کنشی کاسبکارانه است. در چنین کنشی، محاسبه سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است؛ یعنی همه چیز بر محور سودآوری است. اما کنش دارای جهت اقتصادی بیشتر معطوف به انصاف، دگردوستی و برابری است اما ملاحظات و جهت اقتصادی هم دارد. جامعه امروز نگران است که کنش پزشکی و فعالان عرصه درمان که دارای جهت اقتصادی است، یعنی هرچند جهت‌گیری اقتصادی دارد اما هدف آن سودآوری و مبتنی بر محاسبات سرمایه‌ای نیست، روز به روز در حال تبدیل‌شدن به‌کنش اقتصادی و سرمایه‌دارانه شود که هدف اصلی آن کسب سود است. متأسفانه روز به روز این فرض بیشتر شیده می‌شود که وقتی پزشک چیزی را تجویز می‌کند، ممکن است دارای اهداف اقتصادی، تجاری و بر مبنای محاسبات سودمحور باشد. این مسئله فراگیر نیست اما بحث آن در میان افراد بیشتر شده است. مسئله این یا آن پزشک نیست، مسئله کنش، سازمان‌ها و سازوکارهای حوزه درمان و دارو است.

بیمارستان نیز یک تشکیلات دارای جهت اقتصادی است نه تشکیلاتی اساسا اقتصادی. بیمارستان، ذاتا اقتصادی نیست هرچند امور مالی‌اش را خودش اداره کند. از نظر وبر، بیمارستان‌ها مانند نهادهای آموزشی سازمانی دارای جهت اقتصادی هستند اما تصور می‌شود که در حال تبدیل‌شدن به یک سازمان اقتصادی هستند. باید نگران بود که کنش پزشکی و سازمان‌های مرتبط با این کنش مانند بیمارستان و حوزه درمان و دارو به شرکت تجاری و سازمان صرف اقتصادی تبدیل نشود. برای تحقق این هدف، نیاز به تنظیم‌گری عقلانی احساس می‌شود. منظور این نیست که سازمان‌های مرتبط با درمان، محاسبات پولسی یا عقلانیت سرمایه‌داری نداشته باشند چون برای تنظیم بودجه به این نوع عقلانیت و محاسبه‌گری احتیاج است. مسئله این است که کنش‌های کنشگران این حوزه تبدیل به کنش اساسا اقتصادی نشود و میزان موفقیت این سازمان‌ها بر اساس سود خالصی که می‌تواند از طرق گوناگون حاصل شود، سنجش نشود.

کشورهای دارای دولت رفاه سعی کرده‌اند کنش و تشکیلات مرتبط با درمان و دارو به کنش و سازمان ذاتا اقتصادی تبدیل نشود، هرچند در چنین جوامعی هم مسائل مرتبط با درمان و دارو به اشکال دیگری وجود دارد. با وجودی که دولت مدعی است است برای درمان و دارو هزینه زیادی می‌پردازد اما کمکان بیشترین هزینه دارو و درمان را مردم پرداخت می‌کنند و سازمان‌های بیمه‌ای در این حوزه ناکارآمد هستند. اینکه چرا چنین است، نیاز به بررسی دارد اما آنچه این یادداشت بر آن تمرکز دارد، این است که افراد هر روز بیشتر احساس می‌کنند کنش و تشکیلات درمان و دارو اساسا اقتصادی است. کنشی که اساسا اقتصادی نیست اما هر روز بیشتر اقتصادی می‌شود، سازمان‌های مرتبط با این حوزه که به بنگاه تجاری تبدیل می‌شوند و ناکارآمدی سازمان‌های بیمه‌ای، بازنگری اساسی و تنظیم‌گری عقلانی در این حوزه را ضروری کرده است. این مسئله حتی در بازاری‌ترین کشور یعنی ایالات متحده آمریکا هم مورد بحث است به گونه‌ای که رئیس‌جمهور این کشور اخیرا به قول خودش خبر خوشی برای مردم آمریکا داشته و آن‌هم پایین‌آمدن قیمت دارو است. البته وضعیت دارو و درمان در ایران با آمریکا قابل قیاس نیست. تجاری‌ترین و شاید بدترین وضعیت درمان و دارو از نظر هزینه برای مردم مربوط به کشور آمریکاست هرچند از نظر علمی در این حوزه پیش‌تاز است. کشورهای دارای دولت رفاه از اینکه کنش و تشکیلات درمان و دارو اساسا اقتصادی شود، دوری می‌کنند. باید کاری کرد که افراد جامعه ما تصور نکنند کنش و تشکیلات درمان و دارو اساسا اقتصادی شده است چون اعتماد در این حوزه کمتر می‌شود.

دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴
۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۲ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۲۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

هم‌زمان با تشدید اتهامات آژانس، ایران بر حقوق هسته‌ای خود پافشاری می‌کند

پاسخ ایران به گزارش آژانس

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۲ بخوانید



واکاوی آینده روابط ایران با آژانس، اروپا و آمریکا در گفت‌وگو با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

توپ هسته‌ای در زمین اروپا و آمریکا

این گفت‌وگو رادر صفحه ۲ بخوانید.عکس:سیدمتاکی شرق

یک قاب تجربه

گرانی و خاموشی، راه‌حل اساسی نیست



جلیل سازگارنژاد

ممانعت از اجرای قانون حجاب و دیگر اقدامات مشابه را انجام دادند، قابل درک است اما مجوزی برای انتقال فشار بیشتر اقتصادی به مردم نیست. گران‌کردن حامل‌های انرژی و خاموشی به صورت هم‌زمان با پیامدهای نامطلوب و خسارت‌باری همراه خواهد بود که می‌تواند همکاری مردم با دولت برای گذر از بحران‌ها را با دشواری بیشتر مواجه کند. اگر افزایش قیمت برق و آب با هدف کسب درآمد بیشتر و تأمین کسری بودجه دولت صورت می‌گیرد که مسیری نافرجام و غیرعقلانی است و البته امکان جبران و جایگزینی آن از طریق محدود و مسدودسازی و صرفه‌جویی بودجه دستگاه‌های غیرمفید مانند سازمان‌های تبلیغی بی‌ثمر و ریخت‌وپاش‌های بی‌رویه مانند پروژه‌های جهنم‌سازی و هزینه‌کرد برای هزاران مراسمی که به صورت طبیعی به وسیله مردم قابل انجام است... وجود دارد. اما اگر گران‌کردن آب و برق (البته با روندی بسیار ملایم) با هدف کنترل مصرف صورت می‌گیرد، زمانی مؤثر خواهد بود که دولت در گام نخست درباره آگاه‌سازی افکار عمومی از

طریق تشریح وضع موجود و عمق بحران اقدام کند و سپس با ارائه الگویی مناسب، تجربه‌شده و عملی برای مصرف‌با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و دیگر کشورها که قابلیت انجام دارد و نظارت کامل و دقیق بر اجرای آن مبادرت ورزد و از مردم بخواهد تا با رعایت آن دولت را در مهار بحران کمک و یاری کنند و هم‌زمان با ارائه برنامه‌های جامع، تصویری روشن و امیدبخش از آینده در تأمین انرژی مورد نیاز را پیش‌روی مردم قرار دهد. در چنین شرایطی که افکار عمومی باید درباره برنامه‌های دولت قانع شود، فرصت همکاری و همراهی مردم فراهم می‌شود. سخنان و مثال‌ها و برخی پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی رئیس‌جمهور و وزیر نیرو در روزهای گذشته و ارجاع مردم به زمان‌های دور و استفاده از لوازم و روش‌های منسوخ‌شده برای زندگی روزمره و نیازهای ضروری، خود یکباره تراز و جایگاه مهم و وزین ریاست‌جمهوری و وزارت نیرو را تزلزل بخشیده و این باور را در مردم ایجاد می‌کند که مسئولان اجرایی آن هم در عالی‌ترین سطوح به جای ارائه راهکار مناسب و تلاش بایسته برای حل مشکل، به پاک‌کردن صورت‌مسئله و آسان‌سازی عامیانه و غیرعملی آن روی آورده‌اند. طرح چنین توصیه‌هایی و هم‌زمان با گران‌کردن برق و آب که پرداخت هزینه‌های گراف آن برای بسیاری از اقشار مردم مقدر نیست و اجرای خاموشی‌های مخرب، امکان واکنش منفی و قاجاق بیشتر انرژی و تخلف از قوانین و مقررات را افزایش داده و به کاهش کارایی و همکاری عمومی برای اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت دولت می‌انجامد.

مادریعنی حزب کمونیست شوروی سابق از هم پاشید! اما در هفته گذشته در پی بالاگرفتن بحث درباره انحلال پ‌کک، خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران در یک گفت‌وگوی تلویزیونی اعلام کرد که حزب دموکرات کردستان ایران مویت ایدئولوژیک به خود نگرفته است. او در ادامه گفت تجربه کمونیسم و سوسیالیسم و چپ در دنیا ضررهای زیادی در پی داشت و همه کشورهایی که آن را تجربه کردند، عقب افتادند. او در ادامه با اشاره به نفوذ ایدئولوژی چپ در میان احزاب کردی در عراق، ترکیه، سوریه و ایران گفت نفوذ ایدئولوژی چپ ما را از دنیای دموکراسی دور کرد. هرچند خالد عزیزی درباره این بخش اخیر از سخنان خود و ابعاد آن توضیح زیادی ارائه نکرد. سخنان خالد عزیزی در مخالفت با نفوذ ایدئولوژی چپ و کمونیستی و سوسیالیستی در میان سازمان‌ها و احزاب کردی منطقه موجب واکنش‌های تند تعداد زیادی از اعضای گروه‌های چپ و مارکسیست کردی و دیگران شد. اما تمام این انتقادات علیه خالد عزیزی حاوی دفاع علنی یا در لافچه از ایدئولوژی مارکسیستی و سوسیالیستی در میان سازمان‌های کردی بود.

۱- خالد عزیزی ضمن مخالفت با نفوذ ایدئولوژی چپ در میان احزاب رقیب در کردستان ایران، اشاره می‌کند که سازمان متبوع او یعنی حزب دموکرات کردستان ایران از ایراد میراست و حزب دموکرات هویت ایدئولوژیک به خود نگرفته است. این ادعا با واقعیات تاریخی سازگار نیست. به عنوان نمونه حزب دموکرات کردستان تحت دبیرکلی عبدالرحمن قاسملو در نشریه کردستان در سال ۱۳۵۴ با انتقاد از روش همین حزب در دوره احمد توفیق، دبیرکل

پیشین حزب دموکرات کردستان ایران که موجب اخراج قاسملو از حزب شده بود، ادعا کرد: حزب در دوره احمد توفیق از خط مشی متفرقانه منحرف و رهبران اصلی حزب از راه اصلی و صحیح حزب منحرف شده و در منجلاب ناسیونالیسم غلغیده بودند و آرمان نهایی حزب تحت رهبری عبدالرحمن قاسملو را ساختن جامعه عادلانه سوسیالیستی در کردستان اعلام کرد.

سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس خبر داد

معرفی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از مشکلات دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی که از ابتدای‌ترین امکانات محروم هستند

جیره‌بندی آب و مسمومیت غذایی

۱۰

شرایطی مشابه دایی برای طارمی در قینال لیک قهرمانان اروپا

افتخار آمیز و حسرت‌بار

۹

جنگ سرد آموزشی؛ آمریکا دروازه‌های دانشگاه را به روی دانشجویان مرتبط با حزب کمونیست پکن می‌بندد

هاروارد، «دانشکده حزبی» چین در تیررس کاخ سفید

۵

گفت‌وگو با امیرضا مدبری درباره حضورش در حراجی آثار هنری نوش بوش «برلین»

فضای هنری داخل کشور دچار رکود است

۱۱

صورت‌بندی از چالش‌های حفاظت از آبنیبه ارزشمند معاصر

بنای معاصر کلنگی یا میراث؟

۶

یادداشت

راه دشوار سلامتی



حمیدخواج‌بهر

کارشناس حوزه سلامت

گاهی فراموش می‌کنیم که هدف اصلی فعالیت‌های روزانه ما به‌ویژه در حیطه شغلی و کسب درآمد، بیش از هر چیز دیگر، تأمین یا حفظ سلامت خود، افراد خانواده و اطرافیان‌مان است. طبق دسته‌بندی موجود در هرم مازلو نیز که تمام نیازهای پایه زیستی تا متعالی‌ترین خواسته‌های انسان را در بر می‌گیرد و اکثر موارد آن بدون هزینه‌کرد مالی قابل احصا نیستند، بدون استئنا می‌توان تلاش در برآورده‌کردن تک‌تک آنها را به نوعی مرتبط با حصول سلامت جسم و روان هر فرد دانست، بنابراین اهمیت بالا و توجه تام به در نظر گرفتن همه مفاهیم اقتصادی و دست‌یابجه نرم‌کردن روزمره با آنها را می‌توان مؤید وجود پیوستی ناگسستنی بین مباحث سلامت‌محور ازجمله درجه کیفی و کمی سلامت هر شخص، خانواده و جامعه با مبانی اقتصادی و مسائل مالی حاکم بر آن جامعه دانست. به نحوی که سطح سلامت فرد و خانواده و به تبع آن سطح تمام شاخص‌ها و آمارهای مهم بهداشتی، پیشگیرانه و درمانی به طور مستقیم به وضع اقتصادی آن کشور وابسته است. در همین راستا همواره سهم بودجه سلامت از جی‌دی‌پی یا دیگر نسبت‌های شناخته‌شده مالی از بودجه سالانه در بخش بهداشت و درمان دولت‌ها نیز به‌عنوان شاخصی کلیدی در میزان توسعه‌یافتگی آنها محسوب می‌شود، اما توان مالی بالا یا عدد بزرگ بودجه در نظر گرفته‌شده به‌تنهایی کافی نیست. حتی در یک خانواده کوچک یا شرکت تولیدی نیز اگر میزان درآمد ماهانه عدد درخورتوجهی باشد، اما سرپرست خانوار یا مدیران ارشد مجموعه فاقد برنامه‌ریزی مناسب یا مدیریت صحیح باشند، نفع‌تها سلامت افراد خانواده یا حیات اقتصادی شرکت تضمین نمی‌شود، بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد! موضوعی که می‌توان آن را با تعمیمی ساده بر کل مراحل و تمام حلقه‌های زنجیره سلامت یک جامعه نیز حاکم دانست.

۳۳ ادامه‌در صفحه ۵